

# بانک‌ها در بازارهای نوظهور



گرفتاری‌های وال‌استریت را فراموش کنید. امروزه بانک‌های بازارهای نوظهور که در راس نظام مالی قرار دارند، با پیچیده‌ترین مشکل این صنعت مواجهند. یکی از ارباب‌منشانه‌ترین نمودهای برتری ادعایی اقتصاد مالی غربی در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ این رویداد بود که بانک‌های بزرگ چین که روزگاری بخشی از دستگاه اقتصادی کمونیستی این کشور بودند، سهام خود را در هنگ‌کنگ عرضه کردند. بروشورهای منتشر شده توسط این بانک‌ها به زبان انگلیسی بودند و در جای‌جای آنها اصطلاح غربی ارزش سهام به چشم می‌خورد. مجموعه خیره‌کننده‌ای از بانک‌های سرمایه‌گذاری غربی، خرید سهام آنها را تضمین کرده بودند و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته توسط بنگاه‌های مالی معتبر اروپا و آمریکا از ارزش این بانک‌ها پشتیبانی می‌کردند. شاید جهان نوظهور به کارخانه دنیا تبدیل شده باشد. اما به نظر می‌رسد که جهانی شدن بخش مالی اقتصاد دنیا بر اساس ملاک‌های غربی رخ خواهد داد.

امروزه اوضاع بسیار متفاوت به نظر می‌رسد. در حالی که برخی از این تضمین‌کننده‌های خرید و سرمایه‌گذاران حامی این بانک‌ها اعتبار خود را از دست داده‌اند یا مشمول برنامه‌های نجات مالی شده‌اند (یا هر دو)، بانک‌های چین، بزرگ‌ترین بانک‌های دنیا هستند و حامیان پیشین خود را تحت‌شعاع قرار داده‌اند. بانک‌های بازارهای نوظهور بر اساس اکثر معیارها، روی هم رفته چیزی بین یک‌چهارم تا یک‌دوم حجم این صنعت را در سطح دنیا به خود اختصاص می‌دهند؛ اما تغییری که در اهمیت اقتصادی کشورها در دنیا رخ داده است، به این مورد آشنا محدود نمی‌شود. نظام‌های مالی اقتصادهای نوظهور که برای مدت‌های مدیدی یاشنه آشیل آنها تلقی می‌شدند، بسیار بهتر از مدل آنگلساکسونی عمل کرده‌اند که زمانی به رقابت با آنها تشویق می‌شدند.

## دولتها و نظام بانکی

بانک‌های بازار نوظهور متعلق به مکتب قدیمی بانکداری هستند و دارای شعبه، سود و سرمایه زیادی هستند. آنها بعد از پشت‌سرگذاشتن چند دهه بحرانی، به شدت تحت نظارت قرار دارند. بانک‌های هندی به مزاح می‌گویند که تشریفات اداری کشور آنها، امروزه حسادت ناظران را در تمام دنیا برانگیخته است. این بانک‌ها نوعاً به خاطر صرفه‌جویی‌های مشتریانشان، بودجه‌هایی بسیار مطلوب دارند و بر خلاف بانک‌های کشورهای ثروتمند و بستانکار که بر بازار بی‌ثبات وام‌های بین‌المللی متکی هستند، سپرده‌های بیشتری را نسبت به مقادیر وام‌دهی خود گردآوری می‌کنند. دولت در این کشورها نقش بسیار فعالی را بازی کرده است. در هند، چین و روسیه، بخش بزرگی از نظام بانکی تحت‌تملک دولت است و بانک‌های متعلق به دولت در برزیل نیز در حال افزایش هستند. دولت در این کشورها به عنوان بخشی از تلاش‌های خود برای مقابله با رکود، بانک‌های تحت مالکیت خود را به وام‌دهی بیشتر وادار کردند. این امر به ویژه در چین مشهود بود که میزان وام‌های جدید اعطا شده در سال ۲۰۰۹ به رقمی نزدیک به یک‌سوم تولید ناخالص داخلی این کشور رسید. وضعیت آرمانی در اقتصادهای بزرگ نوظهور، وجود یک نظام بانکی مختلط است که دولت در آن حضور پررنگی داشته باشد، تعدادی بانک خصوصی پر نشاط و پرنرژژی در آن حاضر باشند و تعداد اندکی از بانک‌های خارجی نیز برای حفظ صداقت و درستی در عملکرد بانک‌های محلی در این بازارها به فعالیت بپردازند. تنها معدودی از بانک‌های غربی از جمله اچ‌اس‌بی‌سی، استاندارد چارترد و سیتی‌گروپ از نفوذ و قدرت واقعی در این کشورها برخوردار هستند.

## بزرگ‌ترین الگوهای مالی دنیا

بانک‌های جهان در حال توسعه، بحران بزرگی را پشت سر گذاشته‌اند، اما آزمون بزرگ

آنها هنوز در راه است. اقتصادهای نوپا با یک تناقض مواجهند. این اقتصادها به بانک‌های پر قدرت نیاز دارند تا به رشد سریع آنها کمک کنند؛ اما سرعت زیاد رشد، ایمنی بانک‌های آنها را کاهش خواهد داد. وقتی مصرف‌کنندگان بر میزان مخارج خود می‌افزایند، سپرده‌های مازاد بانک‌ها کاهش پیدا می‌کند. مشتریان تجاری برای تامین وجوه مورد نیاز خود به بازارهای سرمایه روی می‌آورند و وام‌دهنده‌ها را به ایجاد بانک‌های بی‌ثبات سرمایه‌گذاری وادار می‌کنند. این انگیزه زیاد برای خدمت‌دهی به صدها میلیون فردی که حساب بانکی ندارند، هر چند اصیل و بزرگ‌منشانه است، اما به همان اندازه ماجراجویی‌های وال‌استریت درباره دیون فاقد اولویت، عملی است. اغلب بانک‌ها در کشورهای در حال توسعه علاقه دارند که اهمیت خود را در سطح بین‌المللی افزایش دهند، اما از اشتباهات وحشتناک بنگاه‌های غربی و ژاپنی در این عرصه نیز آگاه هستند.

مهم‌ترین نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد، این است که در نتیجه رشد سریع اقتصادی، بانک‌ها باید اعتبارات خود را به میزان سرسام‌آوری افزایش دهند. بسیاری از مدیران اجرایی بنگاه‌ها پیش‌بینی می‌کنند که ترانزنامه‌های آنها تقریباً ظرف هر پنج سال، دو برابر شود. این امر به طرز اجتناب‌ناپذیر، ریسک مواجهه با دیون بد را ایجاد نموده و با درگیر ساختن دولت در امر تخصیص اعتبار، احتمال ارتکاب اشتباه و عملکرد بر اساس روابط را افزایش می‌دهد. چین در حال حاضر با وام‌های مشکل‌داری دست و پنجه نرم می‌کند که سال گذشته در اثر رشد چشمگیر وام‌دهی در این کشور به وجود آمده‌اند. اگر این بانک‌ها نمی‌خواهند شهرتی را که به تازگی بابت دوراندیشی و آینده‌نگری خود به دست آورده‌اند از کف بدهند، جهت برآوردن انتظارات روبه‌فزونی جوامع خود در قبال رشد کار بسیار سختی را پیش‌رو دارند.